



تو صخره نجات من
بی تو من سرد و خموشم
تویی آن ملجای جانم
جلال و قوت برای توست
محبت و نور کلام توست
همگی لغزند و افتند
تو صخره نجات من
تو درد من را دوائی
جلال و قوت برای توست
محبت و نور کلام توست
مرا پر کردی ز روحت
تو بخشنده و رحیمی
بر دلم تقویت یابد
جلال و قوت برای توست
محبت و نور کلام توست
روح تو رهنمای من
بال تو مخفیگاه من
تو فدیة گناه من
جلال و قوت برای توست
محبت و نور کلام توست (۴)

تو نور من حیات من
بی تو هیچم بی تو پوچم
تویی نورم تو حیاتم
حمد و تسبیح از آن توست
بخشش و رحمت عطای توست
چو شیران بر من آیند
تو قلعه بلند من
تو به دور من حصاری
حمد و تسبیح از آن توست
بخشش و رحمت عطای توست
تو مرا شستی به خونت
تو بزرگ و کریمی
در تو جانم به وجد آید
حمد و تسبیح از آن توست
بخشش و رحمت عطای توست
تو شبان نیکوی من
در بلا سایه بان من
تو خالق و خدای من
(حمد و تسبیح از آن توست
بخشش و رحمت عطای توست

